

روزنامه
فجر
شهرت
۱۴۰۴/۱۱/۱۴



منوچهر محمد

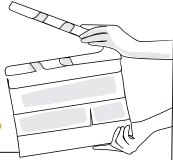
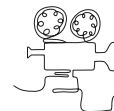
MANOOCH-EHR
MOHAMMADI

در جهان پر از تلاطم
و جوش و خروش
امروز چگونه می‌توان
کار کرد، حرفه‌ای
ماند و به اندیشه‌ها
و افکار بلند و دیرین
اعتقاد داشت؟ امر
تهیه‌کنندگی - آن هم
تهیه‌کنندگی مولف -
به عنوان امری محال
شناخته می‌شود، در
حالی که نمونه‌های جاری
و ساری پیرامون ما بر
این امر صحنه می‌گذارند
که می‌توان هم به باورها،
اعتقادات و حرفه‌ای‌گری
ایمان داشت و فیلم خوب
ساخت و هم متناسب با
نیازهای روز در تلاطم روزگار
سینماگر و به عبارت بهتر،
«تهیه‌کننده مولف» شد.
اهمیت بزرگداشت «منوچهر
محمدی» با جوازی بی‌شمار
داخلی و خارجی که برای اولین بار
به عنوان تهیه‌کننده مولف در
رویداد ملی سینمای ایران برگزار
می‌شود، از این بابت است که این
امر زمانی اتفاق افتاده که او در اوج
پختگی و در صحت وجود شاهد
تأثیر آثار خود بر جامعه ایران است.
پیش از این از منوچهر محمدی
با عناوین دیگر سینمایی، تقدیر
شده است، اما او سینماگری نوآور
با نگاه بدیع در حوزه طرح مسایل
مختلف اجتماعی سینمای ایران
است. او تلاشگری قابل احترام برای
تثبیت جایگاه نهاد صنفی است، امری
که به اعتلای سینمای ملی ایران کمک
شایانی کرد. به یاد بیاوریم «منوچهر
محمدی» در روزهایی که سینمای ایران
گهگاه به سمت نوعی از سینمای مُسکن
و مبتذل می‌رفت، تلاش کرد فاصله بین
ذائقه مخاطب، سینمای مولف و سینمای
دردمند را، بسیار کم کند. آثار او همه
نشان از عمق دیدگاه و اعتقاد فرهنگی و
سینمایی دارند. «منوچهر محمدی» یکی از
متفاوت‌ترین هنرمندان حوزه سینمای ایران
است که امروز به بهانه بزرگداشت او و به
احترام سینمای مولف می‌ایستیم و سینمای
ایران را تشویق می‌کنیم.

منوچهر شاهسواری

درنگی بر بزرگداشت «منوچهر محمدی»

آنکه به ایمان خویش کافر نشد



پیشرفت پایدار با «فرهنگ»



سوده نجفی

عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر تهران



الهام آزاد

نماینده مجلس

سینما در خدمت جامعه

سینما پیش از اینکه ابزار سرگرمی باشد، می‌تواند آینه‌ای از فرهنگ، هنجارها و ارزش‌های یک جامعه تبدیل شود و گفتمان ملی را شکل دهد. وقتی فیلم‌ها با چارچوب‌های فرهنگی و ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشند، ظرفیت تأثیرگذاری بر روند فرهنگی کشور بسیار بالا می‌رود. هر فیلم پیام خود را به مخاطب منتقل می‌کند و همین تبادل پیام، با تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل، زمینه شکل‌گیری گفتمان در جامعه را فراهم خواهد کرد.

علاوه بر این، هنر و سینما می‌توانند در ایجاد وحدت و همگرایی نقش مهمی ایفا کنند. هنر ابعاد متنوعی دارد و پیام‌های روشنی به جامعه و شهروندان آن منتقل می‌کند. لطافت و سازگاری هنر با روح انسان باعث می‌شود مفاهیمی مانند وحدت و انسجام اجتماعی به شکل غیرملموس اما عمیق در ذهن مخاطب جا بیفتد. هر کسی بسته به نگاه و تجربه خود می‌تواند این پیام‌ها را درک و دریافت کند.

به این ترتیب، سینما و هنر، با خروجی‌های مثبت خود، نه تنها می‌توانند گفتمان فرهنگی ایجاد کنند، بلکه باعث تقویت همبستگی، همدلی و انسجام در جامعه می‌شوند و نقشی کلیدی در گذار فرهنگی و اجتماعی کشور ایفا می‌کنند.

شاخصه اصلی مردم، وحدت و همگرایی آنهاست؛ ویژگی‌ای که باعث می‌شود پیام روشنی به جهان منتقل شود و جامعه خود را به نمایش بگذارد. هنر و سینما می‌توانند این ویژگی‌ها را به تصویر بکشند و در عین حال مردم را به سمت همدلی، اتحاد و انسجام اجتماعی سوق دهند. آثار هنری نه تنها پیام‌های مثبت منتقل می‌کنند، بلکه خروجی‌های ملموس فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌کنند که به شکل‌گیری گفتمان و پیوند مردم با یکدیگر کمک می‌کند.

نکته مهم دیگر، دسترسی همه اقشار جامعه به فرهنگ و هنر است. سیاست‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که عدالت فرهنگی برقرار شود و منابع و فرصت‌های فرهنگی به همه، از شهرهای بزرگ تا روستاهای دورافتاده، برسد. برقراری عدالت فرهنگی باعث افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر تحولات و بحران‌های نوظهور می‌شود و زمینه مشارکت همگانی در زندگی فرهنگی کشور را فراهم می‌کند.

در این مسیر، هنر و سینما نه تنها سرگرمی یا ابزار انتقال پیام، بلکه وسیله‌ای برای تقویت وحدت، همگرایی و عدالت فرهنگی در سطح جامعه هستند.

اگر بخواهیم از این نقطه آغاز کنیم که اساساً جایگاه جشنواره فیلم فجر در جامعه چگونه تعریف می‌شود، ناگزیر باید به نقش بنیادین فرهنگ در ساخت و اداره جوامع اشاره کنیم. فرهنگ نه تنها یک مقوله نرم و انتزاعی نیست، بلکه عنصری تأثیرگذار در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی، الگوهای زیستی و حتی تصمیم‌سازی‌های مدیریتی است.

فرهنگ می‌تواند پیوندهای بخش‌های مختلف جامعه باشد و گفتمان مشترک ایجاد کند؛ همان قدر که اگر نادیده گرفته شود، می‌تواند به گسست اجتماعی و سوءبرداشت‌های عمیق منجر شود.

در این میان، سینما به عنوان یکی از جذاب‌ترین و اثرگذارترین شاخه‌های هنر، جایگاهی ویژه دارد. سینما هنری فراگیر و هویت‌ساز است که توانایی بازنمایی مسائل پیچیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی مدیریتی را در قالبی قابل فهم و تأثیرگذار دارد. از همین رو است که از آن به عنوان «هنر مادر» یاد می‌شود؛ هنری که می‌تواند سایر هنرها و روایت‌ها را در خود جای دهد و به زبان مشترک اقشار مختلف جامعه تبدیل شود.

جامعه‌ای که به دنبال پیشرفت پایدار است، نمی‌تواند از فرهنگ و هنر غفلت کند. این مساله تنها محدود به سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی نیست، بلکه در مدیریت شهری نیز اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. شهر صرفاً مجموعه‌ای از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها نیست؛ شهر موجودی زنده است که هویت، روح و حافظه جمعی دارد. مدیریت شهری زمانی می‌تواند موفق عمل کند که این هویت و حافظه را بشناسد و برای تقویت آن برنامه داشته باشد.

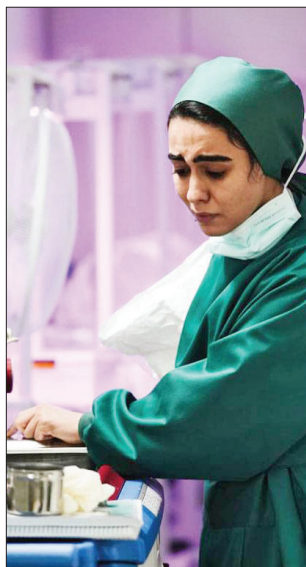
در این چارچوب، سینما می‌تواند نقش مهمی در ارتقای فهم مدیران شهری از جامعه ایفا کند. همان قدر که یک شهروند به هنر نیاز دارد تا جهان پیرامون خود را بهتر درک کند، یک مدیر شهری نیز به هنر نیازمند است تا با لایه‌های پنهان مسائل اجتماعی، دغدغه‌های شهروندان و پیچیدگی‌های زیست شهری آشنا شود. بسیاری از مسائل امروز شهرها، از شکاف‌های اجتماعی گرفته تا بحران هویت، مهاجرت، حاشیه‌نشینی، محیط زیست و حتی سبک زندگی، پیش از آنکه در گزارش‌های رسمی دیده شوند، در آثار هنری و سینمایی بازتاب پیدا می‌کنند.

سینما می‌تواند در فرآیند فرهنگ‌سازی شهری نقشی کلیدی ایفا کند. گاه یک فیلم، در زمانی کوتاه، مفهومی را منتقل می‌کند که شاید سال‌ها برنامه‌ریزی و بخشنامه نتواند به آن دست یابد. از این منظر، هنر و به ویژه سینما، ابزاری مکمل برای مدیریت شهری است؛ ابزاری که می‌تواند هم هشداردهنده باشد، هم آگاهی‌بخش و هم زمینه‌ساز تغییر نگرش. اگر تأثیر سینما را جزئی‌تر بررسی کنیم، به قاب‌هایی می‌رسیم که هر یک می‌توانند آغازگر یک جریان فکری یا اجتماعی باشند. یک فروشنده، یک دانشجو، یک فرد تحصیل کرده، یک کارمند یا یک مدیر شهری، همگی می‌توانند پای یک فیلم بنشینند و برداشت‌های متفاوتی از یک سوژه واحد داشته باشند. همین تفاوت برداشت‌هاست که گفت‌وگو را شکل می‌دهد و زمینه فهم متقابل را فراهم می‌کند. هرچه این گفت‌وگو گسترده‌تر شود، به عمق جامعه نفوذ می‌کند و در نهایت، به تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر در سطوح مدیریتی منجر می‌شود.

در چنین بستری، جشنواره فیلم فجر می‌تواند فراتر از یک رویداد صرفاً هنری دیده شود. این جشنواره ظرفیت آن را دارد که به محلی برای تلاقی هنر، جامعه و مدیریت تبدیل شود؛ جایی که مسائل شهری، دغدغه‌های اجتماعی و چشم‌اندازهای آینده، در قالب آثار سینمایی مطرح می‌شوند و مورد بحث قرار گیرند. توجه به این ظرفیت، می‌تواند جشنواره را به یکی از بازوهای نرم مدیریت فرهنگی و شهری کشور تبدیل کند. سینما هم هشدار می‌دهد، هم باز می‌دارد و هم فرهنگ‌سازی می‌کند. با توجه به این میزان از نفوذ و اثرگذاری، بار دیگر به گزاره ابتدایی بازمی‌گردیم: هنر، به ویژه سینما، همان قدر که در زندگی روزمره شهروندان جاری و ساری است، باید در سطوح کلان‌تر، از جمله در سیاست‌گذاری فرهنگی و مدیریت شهری، نقشی جدی و هدفمند داشته باشد؛ نقشی که جشنواره فیلم فجر می‌تواند یکی از مهم‌ترین بسترهای تحقق آن باشد.

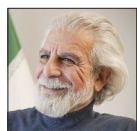
«نیم‌شب» و «اسکورت» در سانس فوق‌العاده

دوفیلم سینمایی حاضر در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در پی استقبال مخاطبان دوشنبه شب، سیزدهم بهمن (روز دوم جشنواره) در سانس فوق‌العاده روی پرده رفتند. فیلم سینمایی «نیم‌شب» به کارگردانی محمدحسین مهدویان ساعت ۲۲ در سینما مهر شاهد سالن سبلان به نمایش درآمد. سینما تیرازه ۲۰ سالن شماره ۱۸ ساعت ۲۲ میزبان تماشاگران فیلم «اسکورت» ساخته یوسف حاتمی‌کیا بود. همچنین فیلم «استخر» ساخته سروش صحت در پردیس لوتوس مال با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.





چهره‌های روز



منوچهر شاهسواری

من پیشنهاد دادم وقتی دیتابیس خبرنگاران را داریم، چرا باید هر سال آن‌ها را مجبور به ثبت‌نام کنیم؟



الناز ملک

قبل از بازی در «نیم‌شب»، به صورت آزمایشی نقش یک دختر معتاد را بازی کردم و بقیه من را جدی گرفتند.



ابراهیم امینی

من و محمدحسین مهدویان رقیب هم نیستیم، فقط فیلم‌هایمان با هم دآوری می‌شوند.

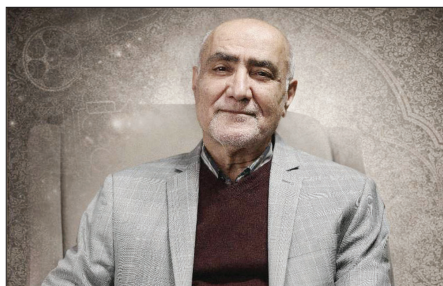


محمدحسین مهدویان

هر وقت می‌خواهیم واقعی باشیم کسانی می‌خواهند ما را از واقعیت‌مان دور کنند.

بزرگداشت «منوچهر محمدی» در فجر ۴۴

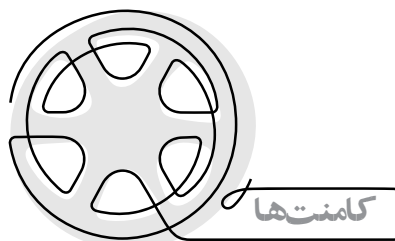
میهمان داریم



یک اتفاق مهم در چهارمین روز جشنواره امسال، بزرگداشت «منوچهر محمدی» مرد روزهای سخت سینمای ایران و جشنواره فیلم فجر است. این سختکوشی چه در روزهای سخت و بدیع تولید آثاری چون «از کرخه تا راین» و «بازمانده»، چه در روزهایی که بیست معاونت سینمایی وقت (سال‌هایی از نیمه دهه ۷۰) را بر عهده داشت و در برگشتن ورق سینمای ایران در عرصه تولید نقش آفرینی می‌کرد، چه در مقطع مدیرعاملی خانه سینما و چه در روزهای دشوار تولید فیلم‌های حساسیت‌برانگیز یا خط‌شکنی چون «زیر نور ماه»، «امارمولک»، «طلا و مس»، «بوسیدن روی ماه»، «میهمان داریم»، «اکسیدان» و... نمود داشت و دغدغه‌های فرهنگی-سینمایی‌اش همواره درهای جدیدی بر تجارب سینمایی سینماگران و در نهایت ارتقا و توسعه مضمونی آثار جشنواره فیلم فجر گشوده است.

منوچهر محمدی متولد ۱۳۳۵ آبادان، فارغ التحصیل جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران است. وی فعالیت سینمایی خود را از سال ۱۳۵۸ آغاز کرد. از فعالیت‌های او می‌توان به تهیه و تولید سریال‌های متعدد تلویزیونی، فیلم‌های کوتاه، مستند و سینمایی، مدیرعاملی خانه سینما، مدیریت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مدیریت گروه‌های تولیدی در تلویزیون اشاره کرد. در کارنامه محمدی بیش از ۴۰ اثر در عرصه سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خانگی، مستند و... به چشم می‌خورد. این تهیه‌کننده با کامیوزیا پرتوی فیلم «گریه آواز خوان»، با مهدی فخیم‌زاده فیلم «همسر»، با زنده‌یاد منوچهر عسگری‌نسب فیلم «هی جو»، با ابوالحسن داودی فیلم «من زمین را دوست دارم»، با زنده‌یاد سیف‌اله داد، فیلم-مجموعه «بازمانده»، با داود میرباقری فیلم «مسافر ری»، با سیدرضا میرکریمی فیلم «زیر نور ماه»، با ابراهیم حاتم‌کیا فیلم‌های «از کرخه تا راین»، «ارتفاع پست» و سریال «خاک سرخ»، با کمال تبریزی فیلم‌های «امارمولک» و «امکان مینا»، با زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور فیلم «میم مثل مادر»، با مجتبی راعی، فیلم «عصر روز دهم»، با همایون اسعدیان فیلم‌های «طلا و مس»، «ده رقصی» و «بوسیدن روی ماه»، با مازیار میری فیلم «حوض نقاشی» و با محمد مهدی عسگریور فیلم «میهمان داریم» را در کارنامه دارد.

محمدی در ادوار جشنواره فیلم فجر با آثار متنوعی حضور داشته و بارها سیمرغ بلورین جشنواره را کسب کرده است.



فیلم خاص روز سوم

محمد رضا کاظمی



فیلم سینمایی «پروانه» که عصر دیروز به نمایش درآمد، از نظر فرم روایی یکی از خاص‌ترین آثار حاضر در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر است، اثری مستقل از یک کارگردان فیلم اولی که در ابتدا تم آن جنایی و معمایی بود و در یک سوم پایانی به اثری روانشناسی تبدیل شد. فیلم شاید در اکران عمومی با استقبال ویژه‌ای مواجه نشود، اما از نظر هنری و فرم و ساختار، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

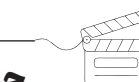
الگوی مهدویان

محمد عرفان صدیقیان



«نیم‌شب» بر سوزهای جذاب مبتنی بر واقعیت تکیه دارد که بستر اصلی قصه را توامان با نوعی تعلیق روایی درونی و ظرفیت‌های داستانی متعدد همراه می‌کند و به فیلمساز این امکان را می‌دهد تا با دست‌بازتری به سراغ پرداخت دراماتیک روایت برود. مهدویان با ساخت مجموعه «آخرین روزهای زمستان» و سینمایی «ایستاده در غبار» به شهرت رسید، فیلم‌هایی در گونه داکو دراماکه تلفیق وجوه دراماتیک داستانی و شیوه بصری مستندگونه وجه غالب آن به شمار می‌رود. او در «نیم‌شب» نیز از الگوی مشابه پیروی می‌کند و با تکیه بر اصل واقعیت و اضطراب ناشی از شرایط جنگی، درام را طرح‌ریزی کرده و پیش می‌برد. «نیم‌شب» اما بیش از هر مساله دیگر، بنای خود را بر موضوع همبستگی ملی قرار داده است و با به‌کارگیری چهره‌هایی تازه در مرحله انتخاب نقش، توانسته به عمق اثرگذاری خود اضافه کند. فیلمی که البته در نیمه پایانی، توالی رخداد‌های پراکنده، انسجام روایی آن را خدشه‌دار کرده است.

جشنواره فیلم فجر؛ بستری برای تقویت عدالت فرهنگی



محمود اکبری کیا

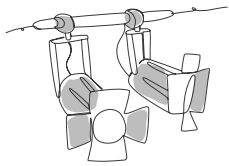
مدیر مسئول سایت مدارا

جشنواره فیلم فجر به عنوان مهم‌ترین رویداد ملی سینمای کشور، همواره نقشی فراتر از یک رقابت هنری ایفا کرده و به عنوان بستری اثرگذار در سیاستگذاری و جهت‌دهی فرهنگی شناخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های این رویداد فرهنگی، تقویت و تحقق عدالت فرهنگی در عرصه سینماست؛ مفهومی که بر دسترسی برابر، تنوع روایت‌ها و دیده‌شدن ظرفیت‌های گوناگون فرهنگی کشور تأکید دارد.

عدالت فرهنگی در جشنواره فیلم فجر به معنای ایجاد فرصت‌های برابر برای حضور فیلمسازان از سراسر ایران، توجه به تنوع جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی و بازتاب دادن زیست واقعی اقوام، مناطق و گروه‌های مختلف جامعه در آثار سینمایی است. حضور فیلم‌هایی با موضوعات متنوع و خاستگاه‌های مختلف، نشان‌دهنده نگاه فراگیر جشنواره به سینمای ملی و سرمایه انسانی آن است.

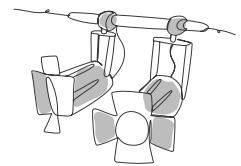
برگزاری جشنواره در سطح ملی و توجه به نمایش آثار در استان‌ها، گامی مؤثر در جهت گسترش عدالت فرهنگی و توزیع متوازن فرصت‌های فرهنگی به شمار می‌رود. این رویکرد، ضمن افزایش مشارکت عمومی، به تقویت پیوند میان مخاطبان و سینمای ایران کمک کرده و جشنواره را به رویدادی مردمی‌تر و فراگیرتر تبدیل می‌کند.

جشنواره فیلم فجر با تکیه بر ظرفیت سینماگران جوان، استعداد‌های نوظهور و آثار مستقل، می‌تواند نقش مؤثری در کشف و حمایت از جریان‌های تازه سینمایی ایفا کند؛ جریانی که ریشه در عدالت فرهنگی داشته و به پویایی و بالندگی سینمای ایران می‌انجامد. بی‌تردید، استمرار توجه به عدالت فرهنگی، جشنواره فیلم فجر را بیش از پیش به آینه‌ای صادق از فرهنگ، هویت و تنوع جامعه ایرانی تبدیل خواهد کرد و جایگاه آن را به عنوان مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور، مستحکم‌تر خواهد ساخت.



نشست خبری فیلم «نیم شب» دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت تکرار سهراب کشان

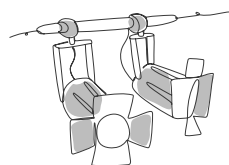
اجرا: حمیدرضا مدقق **حاضران:** محمدحسین مهدویان کارگردان، حبیب والی نژاد تهیه کننده، الناز ملک بازیگر، مهدی یزدانی خرم نویسنده، هادی بهروز فیلمبردار. **از میان گفته ها:** **مهدی یزدانی خرم:** من به احترام بی جان شدگان اتفاقات اخیر می ایستم خیلی از آنها دوست داشتند بازگر شوند، فیلم بسازند، زندگی کنند و این رنج عظیمی است، من نمی توانم به عنوان نویسنده این روایت را روزی بنویسم و خواهم نوشت. همکاری تنگاتنگ من و اعظم بهروز و حضور محمدحسین و باز نویسی اش باعث شد این متن حاصل شود. مثل فضایی که در فیلم وجود دارد که یک کار گروهی است. **محمدحسین مهدویان:** آنچه در این فیلم دیدید یک ماجرای واقعی است حتی تولد نوزاد و صبر و عمل تحت آن فضای ملتهب اتفاق افتاده بود و تصویر جالبی از آن روزها بود و فکر می کردم باید یک روایت سینمایی از آن باقی بماند، اما تغییراتی فرعی در خرده روایت ها انجام دادیم. او گفت: در این مدت جوانان زیادی را از دست دادیم که نام این اتفاق را سهراب کشان می گذارم این خون ها گویی یادآور خون سهراب هستند که قرن ها پیش فردوسی این داستان را برای ما خواند. داعی است که دائم تکرار می شود انگار نفرینی است که هر از گاهی باید یک سهراب کشان داشته باشیم. **حبیب الله والی نژاد:** مادر دوران جنگ ۱۲ روزه کار مستند انجام می دادیم این قصه درباره جنگ بود و وقتی آقای انتظامی آن را پیشنهاد داد ما فکر کردیم از جنس سینماست و به همین خاطر این فیلم سینمایی را ساختیم. **الناز ملک:** آنچه برای خودم سخت و جالب بود این بود که همزمان با این فیلم در فیلم «خیابان جمهوری» هم بودم. قبلا در کلاس های بازیگری چنین نقشی را دیده بودم و سعی کردم همان نقش را گسترش بدهم وقتی مهدویان این نقش را به من پیشنهاد داد یک شرط گذاشت و گفت اگر گریم شوی و جلوی عوامل نقش یک دختر معتاد را بازی کنی و بقیه تورا جدی بگیرند من این نقش را به شما می دهم. وقتی این نقش را بازی کردم باور کردند و آنچه لازم بود، اتفاق افتاد.



نشست خبری فیلم «پروانه» دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

فیلمی که عامه پسند نیست

اجرا: حمیدرضا مدقق **حاضران:** محمد برزویی پور کارگردان، نهال مصلحی سرمایه گذار، به کام مصلحی مجری طرح، کیوان شعبانی مدیر فیلمبرداری و شایان فصیح زاده طراح متن. **از میان گفته ها:** **محمد برزویی پور:** «پروانه» ۱۲ سال تلاش من است. صرف ساخت این فیلم ۵ سال زمان برد که این اثر تولید شود. مادر پیش تولید و تولید آگاه بودیم که این فیلم، داستان عامه پسندی ندارد اما تلاش کردیم در حد خودمان مخاطب را همراه کنیم. قطعا کارگردان های کار اولی سراغ داستان های ساده تری برای ساخت می روند اما من پیوسته به چالش علاقه داشتم و همین دلیل این انتخاب بود. **نهال مصلحی:** هدف من بیشتر به این سمت بوده است که اگر بعدها هم این فیلم را ببینیم از دیدن آن لذت ببریم. فاخر بودن قصه و اثر برای من مطرح بود. پس از خوانش فیلمنامه، تهیه کننده این فیلم، فیلمنامه های دیگری را نیز به من پیشنهاد کرد اما دلایل اصلی انتخاب نزدیکی موضوع فیلم با زندگی شخصی من بوده است چون خودم عضوی از کادر درمان هستم. **شایان فصیح زاده:** بخش عظیمی از سوز مستند بوده است، اما قطعا تغییراتی در راستای افزایش پیداکردن وجه دراماتیک اثر بوده است، از فیلم «جزیره شاعر» نیز بسیار استفاده کردیم که بتوانیم وجه روانکاوای فیلم را به شکل مطلوبی ایجاد کنیم. محمد برزویی پور بسیار تلاش کرد که فیلم را به اکران برساند و فکر می کنم ما جزو معدود افرادی بودیم که به شکلی مستقیم اثر سینمایی در این جشنواره تولید کردیم. **کیوان شعبانی:** حال همه ما بد است اما اینجا خانه ماست و نمی توانیم خانه را رها کنیم. رها کردن هم فرقی با کارهای تروریستی ندارد. این فیلم جدا از اینکه یک فیلم اولی است، اولین فیلم سینمایی من در مقام فیلمبردار است. پیش از این با کارگردان همکارهایی داشتیم و کم کم به شکل حرفه ای تر کار کردیم.



نشست خبری فیلم «اسکورت» دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت شوتی ها؛ پس از ۶ سال

اجرا: حمیدرضا مدقق **حاضران:** یوسف حاتمی کیا نویسنده و کارگردان و محمد رضا منصوری تهیه کننده. **از میان گفته ها:** **یوسف حاتمی کیا:** بابت اتفاقات اخیر تسلیت می گویم و همه به نوعی عزادار هستیم و می دانم که مردم ایران سربلند بیرون خواهند آمد. این فیلم زاده ۱۰ طرح فیلمنامه مختلف است. زمانی که متوجه شدم بانوان هم در این شغل شغلی هستند برای من جالب تر شد و بیشتر به آن جذب شدم. یکی از مشکلاتی که برای ساخت این فیلم وجود داشت، پرداختن به شغل شوتی ها بود. با این حال تلاش کردم به آدم هایی بپردازم که چاره ای ندارند و مجبور به انجام این شغل هستند. «اسکورت» قرار بود فیلم اول من باشد. ۶ سال پیش دغدغه ساخت آن را داشتم اما هر بار به دلیلی امکان ساخت آن میسر نمی شد. مجوزهایی که باید برای ساخت این اثر داده می شد، صادر نمی شد. ممیزی هایی بر فیلم اعمال شد. اما این ممیزی ها تاثیری بر فیلم، فیلمنامه و داستان ما نداشتند. از پس فیلم درباره کولبرها ساختند عزیز ملت شدند و من این فیلم را به این دلیل ساختم که داغ دل این عزیزان هم دیده شود. من فقط یک بار مستندی در این باره دیدم و کار دیگری در این باره ساخته نشده است. **محمد رضا منصوری:** دامن زدن به اختلاف عوامل فیلم با فرآجدر شرایط فعلی درست نیست، باری دیگر تاکید می کنم، چیزی به من در این مورد ابلاغ از طرف فرآجا ابلاغ نشده است. جشنواره از نظر شکلی تغییر کرده و بالغ بر ۱۵ اثر، فیلم اولی است و این خود تغییر این دوره با ادوار گذشته است.

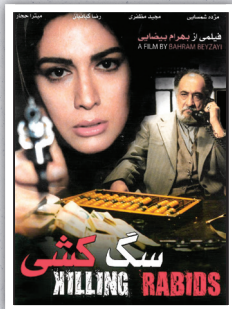


فیلمنامه‌های برتر ادوار فجر چه بودند؟ چرا جایزه گرفتند؟ ۴

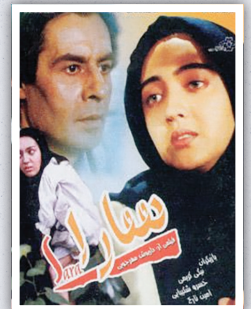
دروغ، امید و تخیل

به چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر رسیده‌ایم. در این سال‌ها داستان‌های بسیاری گفته شده است. برخی از آن‌ها قهرمان‌های ماندگاری خلق کرده‌اند، قهرمان‌هایی که در تاریخ سینمای ایران جاودانه شده‌اند. افرادی که این داستان‌ها را به فیلمنامه و در مواردی به فیلم تبدیل کرده، گاهی از زیست شخصی خود و گاهی از قدرت تخیل‌شان استفاده کرده‌اند. آن‌ها قهرمان‌های خود را به جدال‌های درونی و بیرونی برده‌اند. جدال‌هایی که برای مخاطب پرسشی اساسی ایجاد می‌کنند. چه کسی پیروز خواهد شد؟ و فیلمنامه‌نویسان با ایده‌های ناظر خود به این پرسش پاسخ خواهند داد. نام این فیلمنامه‌نویسان و آثارشان در تاریخ جشنواره فیلم فجر ثبت شده است. در این گزارش با توجه به اهمیت داستان‌گویی در سینما و ارزش نهادن به مدیوم فیلمنامه بر آنیم که نگاهی به آثار آن‌ها داشته و ایده اولیه، پیچش داستانی، پیرنگ و ایده ناظرشان را معرفی کنیم.

محراب توکلی



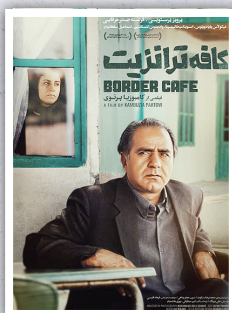
نام فیلم: سگ کشی
محصول: سال ۱۳۷۹
برنده سیمرغ بلورین نوزدهمین جشنواره فیلم فجر
فیلم‌نامه‌نویس: بهرام بیضایی



نام فیلم: سارا
محصول: سال ۱۳۷۱
برنده سیمرغ بلورین یازدهمین جشنواره فیلم فجر
فیلم‌نامه‌نویس: داریوش مهرجویی

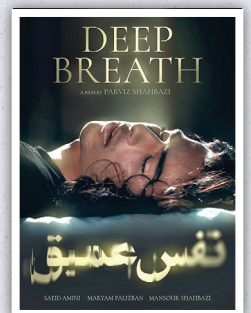
بازیگران: نیکی کریمی، امین تارخ، خسرو شکیبایی، یاسمین ملک‌نصر، فرامرز روشنائی.
خلاصه داستان: حسام برای درمان بیماری مجبور است به خارج از کشور سفر کند. سارا همسر او مخارج این سفر را تأمین می‌کند اما می‌گوید این پول را از محل آرتیه پدرش به دست آورده است. سارا پنهان از چشم او با خیاطی سعی می‌کند بدهی‌هایش را بپردازد. گشتاسب، مردی که به سارا کمک مالی کرده، متهم به جعل اسناد شده و از سارا می‌خواهد از طریق اعمال نفوذ حسام در شغلش ابقا شود.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر مردی فداکاری همسر خود را نبیند و در مقابل او قرار بگیرد؟
پیرنگ: فداکاری
پیچش داستانی: گلرخ متوجه می‌شود تمام مشقت‌ها، زیر سر ناصربوده است.
ایده ناظر: فاصله گرفتن از زندگی گذشته و جهان فسادآلود آن تنها راهکار قهرمان است، چراکه قدرت فساد برای زخمی کردن انسان‌های پاک به طرز مرگ‌باری زیاد است.

بازیگران: سعید امینی، مریم پالیزیان، سعید امینی
خلاصه داستان: «نفس عمیق» داستان سه جوان است که با وجود همه نقاط قوت و ضعفی که دارند از زندگی بریده‌اند. آن‌ها در روند قصه فیلم در نقطه عطفی از زندگی روزمره خود، به یکدیگر می‌رسند و با هم این راه را می‌پیمایند. چند غواص جسد پسری را از سد کرج بیرون می‌کشند، یک نفر دیگر هم غرق شده که معلوم نیست پسر است یا دختر، چون در تاریکی زیر آب فقط موهای بلندش معلوم است. این شروع و پایان فیلم است.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر جوانانی برای رهایی از خودشان، زندگی‌شان و برای تغییر از تهران خارج شوند؟
پیرنگ: تغییر، جست‌وجو، انسان ضعیف
پیچش داستانی: شخصیت پیدا تبدیل به محرکه‌ای برای رفتن از تهران می‌شود
ایده ناظر: دغدغه‌ها، امیدها و آرزوهای نسل جدید به باد می‌رود، چون جهان پیرامون از وسعت خیال آن‌ها کوچک‌تر بوده در این جهان تغییر ناممکن است. امید تبدیل به ناامیدی می‌شود و ناصر و علی از کنش‌گری رو به انفعال می‌آورند.



نام فیلم: کافه ترانزیت
محصول: سال ۱۳۸۳
برنده سیمرغ بلورین بیست و سومین جشنواره فیلم فجر
فیلم‌نامه‌نویس: کامبوزیا پرتوی

صفحه ۵
روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر



بازیگران: پرویز پرستویی، فرشته صدرعرفایی، جعفر وهاب‌پور، نیکولاس پاپادوپولوس، اسوینا میخالی‌شینا و اسماعیل سلطان‌یان
خلاصه داستان: فیلم «کافه ترانزیت» درباره زنی به نام ریحان است که شوهرش را به تازگی از دست داده است. شوهر وی برای او فقط قهوه‌خانه‌ای در کنار جاده در نزدیکی ماکوه به ارث گذاشته است. این زن تلاش می‌کند استقلال خود را حفظ کند ولی برادر شوهرش ناصر در جلوی پای این زن سنگ می‌اندازد تا ریحان را ناچار به ازدواج با خود کند...
ایده اولیه: چه می‌شود اگر زنی بیوه بدون تکیه بر کسی بخواهد قهوه‌خانه‌ای را که به ارث برده است، احیا کند؟
پیرنگ: تغییر، عشق ممنوع
پیچش داستانی: یک راننده ترانزیت به طرز عجیبی از دست‌پخت ریحان خوشش می‌آید
ایده ناظر: ریحان در کافه می‌ماند و به مسیر زندگی‌اش ادامه می‌دهد چون قدرت نگاه مردسالار به او و دغدغه‌اش نسبت به یک زندگی مستقل نمی‌رسد!

بازیگران: منصور شهبازی، مریم پالیزیان، سعید امینی
خلاصه داستان: «نفس عمیق» داستان سه جوان است که با وجود همه نقاط قوت و ضعفی که دارند از زندگی بریده‌اند. آن‌ها در روند قصه فیلم در نقطه عطفی از زندگی روزمره خود، به یکدیگر می‌رسند و با هم این راه را می‌پیمایند. چند غواص جسد پسری را از سد کرج بیرون می‌کشند، یک نفر دیگر هم غرق شده که معلوم نیست پسر است یا دختر، چون در تاریکی زیر آب فقط موهای بلندش معلوم است. این شروع و پایان فیلم است.
ایده اولیه: چه می‌شود اگر جوانانی برای رهایی از خودشان، زندگی‌شان و برای تغییر از تهران خارج شوند؟
پیرنگ: تغییر، جست‌وجو، انسان ضعیف
پیچش داستانی: شخصیت پیدا تبدیل به محرکه‌ای برای رفتن از تهران می‌شود
ایده ناظر: دغدغه‌ها، امیدها و آرزوهای نسل جدید به باد می‌رود، چون جهان پیرامون از وسعت خیال آن‌ها کوچک‌تر بوده در این جهان تغییر ناممکن است. امید تبدیل به ناامیدی می‌شود و ناصر و علی از کنش‌گری رو به انفعال می‌آورند.

سرزمین فرشته‌ها

کارگردان: بابک خواجه‌پاشا، **تهیه‌کننده:** منوچهر محمدی، **بازیگران:** سولاف فواخری، علی ذیب، فاطمه المعصومه زریق، اهورا لطفی، محمد اسد، زهرا فاضل، فاطمه مریش، علیرضا علاو، مدیر فیلمبرداری: علیرضا برازنده، **مدیر ارشد پروژه:** محمد ساسان، **مدیر تولید:** مجید کریمی، **طراح صحنه:** پیام حسین‌سوری، **تدوین:** اسماعیل علیزاده، **طراح لباس:** بهزاد آقابیک، **مدیر صداپردازی:** امیرعاشق حسینی، **طراح چهره‌پردازی:** شهرام خلج، **آهنگساز:** مسعود سخاوت‌دوست، **طراحی و ترکیب صدا:** آرش قاسمی، **طراح جلوه‌های بصری:** سیدحسن ایزدی، **طراح جلوه‌های ویژه میدانی:** ایمان کریمان، **مدیر تدارکات:** امید لطیف‌زاده، **عکاس:** محمدمهدی دلخواسته، **مدیر تبلیغات و روابط عمومی:** زهرا دمزآبادی، **محصول:** سازمان سینمایی سوره و موسسه تصویر شهر.

خلاصه داستان: «در سرزمین فرشته‌ها، زنی با عشق و مقاومت معجزه‌ای را رقم می‌زند...»



گیس

کارگردان: محسن جسور، **تهیه‌کننده:** سیدمهدی جوادی، **نویسنده فیلمنامه:** کاظم دانشی، **بازیگران:** بهنوش طباطبایی، حامد بهداد، الهه حساری، عرفان ناصری، علیرضا آرا، حسین پورکریمی و سپهر گندمی، **جانشین تهیه‌کننده:** علیرضا حقیقی قریب، **مجری طرح:** بهزاد هاشمی، **مدیرتولید:** مینا سنگ سفیدی، **مدیر فیلمبرداری:** آرش رضانی، **طراح گریم:** شهرام خلج، **تدوین:** عماد خدابخشی، **طراح صحنه دکور:** بابک کریمی طاری، **آهنگساز:** بهزاد عیدی، **صداگذار:** آرش قاسمی، **طراح لباس:** نفیسه ناصرنیا، **طراح جلوه‌های ویژه میدانی:** آرش آقابیک، **طراح جلوه‌های ویژه بصری:** کامیار شفیع‌پور و **مدیر روابط عمومی و تبلیغات:** فاطمه آذری.

خلاصه داستان: خیانت، مرگ و عشقی که بهای سنگینی دارد.



کوچ

تهیه‌کننده: مهدی مطهر، **کارگردان:** محمد اسفندیاری، **بازیگران:** نادر فلاح، علی محمد رادمنش، محمدرضا مسعودی، ندا حسینی، علی نفیسی، پدالته شادمانی، مسعود رحیم‌پور، حسین شریفی، زهرا مرادی، حدیث اسماعیلی و ابوالفضل نگینی، **امیررضا سلیمانی، نویسنده:** مهدی مطهر، محمد اسفندیاری، **مجری طرح:** محمد هادی حیدری - مان فیلم، **مدیر فیلمبرداری:** داوود رحمانی، **تدوین‌گر:** محمدحسین حیدری، **طراح صحنه:** پیمان محمدی، **طراح لباس:** مجید لیللاجی، **چهره‌پرداز:** سودابه خسروی، **صداپرداز:** علی علوی، **صداگذار:** آرش قاسمی، **جلوه‌های ویژه میدانی:** مرتضی رضانی، **جلوه‌های ویژه بصری:** محمد کشاورز، **عکاس:** پارسا کریمی، **اصلاح‌رنگ:** یحیی محمدعلی

خلاصه داستان: مش حسن، پدریالوار روستایی برای حفظ خانواده‌اش از بانک وام می‌گیرد، اما سیل و برخی اتفاقات ناگوار باعث مقروض شدن او به بانک می‌شود. قاسم پسر ۱۳ ساله خانواده برای جبران بدهی همراه دوستانش عازم شهر می‌شوند.





گفت و گو با محمد اسفندیاری، کارگردان فیلم سینمایی «کوچ»

سفید محض ندیدیم

محمد اسفندیاری، گرافیست و فیلمساز که کارگردانی فیلم‌های کوتاه «قضاوت»، «نزدیک» و «سیزده سالگی» را در کارنامه دارد، با نخستین فیلم بلند سینمایی‌اش راهی سودای سیمرغ فجر ۴۴ شده است.

چالش اقتباس در سینمای ایران و فرصت‌های آن

مهدی مطهر
تهیه‌کننده فیلم «کوچ»

کتاب «باران گرفته است» یکی از منابع اصلی ساخته شدن فیلم «کوچ» بود. پیش‌تر مصاحبه‌های درجه‌یکی با دوستان و هم‌راهان قهرمان اثر انجام شده که احمد یوسف‌زاده (خالق آثاری چون «۲۳ نفر») آن‌ها را به کتابی منسجم تبدیل کرده است. ما از یک قصه کوتاه این کتاب، فیلم کوتاه ساختیم و تیم سرمایه‌گذار آن را پسندید و تصمیم گرفتند فیلم بلند را بسازیم.

جای اقتباس در سینمای ما بسیار خالی است که این موضوع بسیار اهمیت دارد. این فیلم، یک پرتره بیوگرافی است که نه فقط یک مقطع مشخص، بلکه بخش‌های گسترده‌ای از زندگی شخصیت را پوشش می‌دهد. اقتباس در سطح جهانی ارزش بالایی دارد و بسیاری از آکادمی‌ها جایزه ویژه برای فیلمنامه اقتباسی دارند. در ایران، با وجود رمان‌های خوب، به دلیل مسائل حقوقی و اختلافات احتمالی بین نویسندگان و فیلمسازان، اقتباس‌های زیادی شکل نمی‌گیرد. ما هر جالبین هم‌کاری درست انجام شده است، آثار بسیار موفق بوده‌اند.

فیلم «کوچ» پیش از آنکه درباره مقطع قهرمانی شخصیت اصلی باشد، به دوران کودکی، نوجوانی و زیست پیش از قهرمان شدن او می‌پردازد. این جزئیات و روایت‌های کوچک نشان می‌دهند چگونه شخصیت ما در دهه سوم زندگی‌اش به دستاوردهای بزرگ رسید. قهرمان ما همیشه در حال کوچ و هجرت بوده و فیلم این سفر مستمر را دنبال می‌کند. در مدل‌های جدید فیلمسازی، بعضی تیم‌ها ابتدا متن یا پروپوزالی آماده می‌کنند، سپس برای تأمین فاند و تصویب ارائه می‌دهند. مدل دیگر، ساخت یک دموی با اسکانس کوتاه است که سرمایه‌گذار با توجه به فرم و سبک فیلمساز تصمیم می‌گیرد که فیلم را بسازد. ما هم چنین رویکردی داشتیم. چالش بزرگ، انتخاب بخش‌هایی از خاطرات متعدد برای روایت منسجم بود. هرچند تعداد لوکیشن‌ها، شخصیت‌ها و زمان محدود پیش تولید، فشار قابل توجهی ایجاد کردند اما به رغم این محدودیت‌ها، تیم فیلمسازی توانست تولید را به شکل مؤثر مدیریت کند.

قابل پیش‌بینی باشد. ما از ابتدا می‌خواستیم که نزدیک به واقعیت باشیم و شخصیت را سفید محض یا مقدس نشان ندهیم. این برای ما مهم‌تر از آن بود که بخواهیم با همه رسانه‌ای یا تبلیغات، فیلم را به عنوان یک بیوگرافی مرسوم جابیندازیم.

نگاه شما به اقبال جشنواره‌ها و سینمای ایران نسبت به کارگردان‌های فیلم اول چیست؟ نسل جدید سینما، دنیای پیرامون خود را بی‌واسطه‌تر می‌شناسد. به واسطه شغل و شهرت، گاهی فیلم‌سازان قدیمی یک فاصله‌ای با جامعه پیدا می‌کنند. اما فیلم‌سازان جوان امروز می‌توانند این ارتباط را بسیار نزدیک‌تر برقرار کنند و حرف‌های تازه‌ای بزنند. بسته به جهان‌بینی هر فیلم‌ساز، آثار متفاوت خواهند بود. ولی احساس من این است که طراوت و تازگی آثار جدید برای مخاطب جذاب‌تر است.

یکی از نکات مهم «کوچ» اقتباس آن از یک کتاب است. در این مسیر با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟ چالش اصلی وقتی است که ما باید از میان خاطرات موجود، یک خط روایت مشخص پیدا کنیم. گاهی انتظار می‌رود خاطرات بیشتری در فیلم گنجانده شود، یا برخی بخش‌ها حتماً نمایش داده شود. تعدد خاطرات می‌تواند درام فیلم را تحت تأثیر قرار دهد و دست فیلم‌ساز را بسته نگه دارد.

پس انتخاب خاطره‌ها تصمیم دشواری بود؟ ما با جسارت برخی خاطرات را کنار گذاشتیم تا روایت منسجم شکل بگیرد. چالش دیگر تعدد لوکیشن‌ها و بازیگران بود، زیرا فیلم روایت زندگی یک شخصیت در ۱۵ سال را دنبال می‌کند.

فیلم «کوچ» با اتکا به یک کتاب ساخته شده است که به بخشی از زندگی شهید قاسم سلیمانی می‌پردازد. چرا تصمیم گرفتید سرآغاز این ایده بروید و آیا از ابتدا به اقتباس و بیوگرافی فکر کردید؟

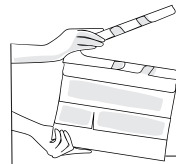
ما چرا از این قرار بود که کتاب «باران گرفته است» نوشته آقای احمد یوسف‌زاده بر اساس خاطرات دست‌نوشته شخصیت اصلی، گردآوری شده و مصاحبه‌ها و خاطرات هم‌راهان او هم در آن آمده بود. این کتاب برای ما یک ماده خام آماده فراهم کرد تا بتوانیم درام را شکل بدهیم. چالش اصلی ما مواجهه با شخصیتی بود که مخاطب او را می‌شناخت. این موضوع هم سخت بود و هم جذاب؛ ما نمی‌خواستیم فیلم صرفاً بزرگداشت باشد و از ابتدا قهرمان را قهرمان نشان بدهیم، بلکه تلاش کردیم ریشه‌های قهرمانی را در کودکی و خانواده جستجو کنیم.

تا چه اندازه جای فیلم‌های بیوگرافی و اقتباسی در سینمای ایران چقدر خالی است؟

ما تلاش کردیم تا نوع جدیدی از بیوگرافی را ارائه دهیم که بر اساس مدل مرسوم سنتی حرکت نمی‌کند. شخصیت از ابتدا متولد می‌شود، شکل می‌گیرد و حتی اسم ندارد و کم‌کم صاحب اسم می‌شود. این ساختار به مخاطب امکان می‌دهد فیلم را زندگی کند، کشف کند و پیش‌بینی اتفاقات برایش ممکن نباشد.

مخاطب جست‌وجوگر از دید شما چه تجربه‌ای در «کوچ» خواهد داشت؟

مخاطب با یک روایت تازه روبه‌رو می‌شود که شخصیت را مرحله به مرحله می‌شناسد. فیلم اجازه می‌دهد تا کشف لحظه‌ها اتفاق بیفتد، بدون آن‌که مسیر روایت



گفت‌وگو با محسن جسور، کارگردان فیلم «گیس»

طبقه‌ای که دیده نمی‌شود

مختصات جامعه خودمان انجام شود، می‌تواند هم مخاطب را جذب کند و هم حرف اجتماعی داشته باشد.

«درون‌مایه اجتماعی فیلم هم پررنگ است. این دغدغه از کجایم؟»

من خودم در طبقه متوسط، و حتی نزدیک به طبقه ضعیف جامعه، رشد کرده‌ام. به همین دلیل دوست دارم درباره آدم‌هایی فیلم بسازم که زندگی برایشان ساده نبوده؛ آدم‌هایی که با سختی‌های معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. یکی از آرزوهای من همیشه ساخت یک فیلم کارگری بوده؛ فیلمی درباره بحران‌ها، فشارها و مسائلی که قشر کارگر با آن مواجه است. «گیس» از این جهت برایم جذاب بوده که این دغدغه‌ها در دل قصه حضور دارد. در واقع «گیس» یک معمایی جنایی است. ما تلاش کردیم که قصه عاشقانه در دل فیلم جریان داشته باشد و پررنگ باشد.

«در عین حال، این استان با یک پارادوکس اجتماعی هم روبه‌رو است. این تضاد چقدر در فیلم شما بازتاب دارد؟»

من دوست داشتم بخشی از فرهنگ واقعی مردم خوزستان در فیلم دیده شود؛ نه صرفاً نیاز و تصاویر کلیشه‌ای. خوزستان یکی از قطب‌های صنعتی و کشاورزی کشور است و برای من مهم بود این وجه از استان پررنگ شود. دوست داشتم مخاطب ایرانی فراموش نکند که خوزستان فقط خاطره جنگ یا یک لوکیشن شاعرانه نیست، بلکه یک بازوی مهم صنعتی و اقتصادی برای ایران است.

خوزستان در کنار قطب صنعتی و تجاری بودن، قشر کارگر بسیار ضعیفی هم دارد؛ قشری که متأسفانه از این ظرفیت عظیم اقتصادی، بهره‌چندانی نبرده است. این پارادوکس برای من خیلی مهم بود و سعی کردم بدون شعار دادن، آن را در بطن داستان نشان بدهم. این تضاد، بخشی از واقعیت اجتماعی خوزستان است که «گیس» تلاش می‌کند به آن نزدیک شود.

«در هر دو فیلم بلند سینمایی شما، یعنی «شکار حلزون» و «گیس»، با نوعی برداشت آزاد از یک منبع روایی مواجه هستیم؛ یکی اقتباس از یک اثر ادبی و دیگری الهام‌گرفته از یک داستان واقعی. چرا به این شیوه از فیلمسازی علاقه‌مند هستید؟»

من اساساً کارم را با داستان‌نویسی شروع کردم و بعد به سمت نوشتن نمایشنامه و فیلمنامه آمدم. به همین دلیل، همیشه معتقدم فیلمنامه خوب، باید اول یک داستان مستحکم و شکل‌گرفته داشته باشد. برای من، ارتباط با مخاطب در اولویت است. حتی در فیلمنامه‌های اورجینالی که خودم می‌نویسم، ابتدا داستان را کامل می‌کنم تا عناصر داستانی به‌درستی شکل بگیرند و بعد درام را روی آن پیاده می‌کنم. این روش به من کمک می‌کند که جهان اثر قابل‌باورتر باشد.

قطعاً هر فیلمسازی بعد از اولین تجربه‌اش به بازبینی مسیرش می‌پردازد. «شکار حلزون» فیلمی بود که درست دیده نشد و من خودم هم به برخی از ضعف‌های آن، به‌ویژه در مرحله تدوین، واقف بودم. این‌ها تجربه‌هایی بود که برای من درس شد. در «گیس» سعی کردم از همان ابتدا، چه در فیلمنامه و چه در اجرا، با دقت بیشتری جلو بروم و از آن اشتباهات فاصله بگیرم.

«گیس» در جنوب کشور روایت می‌شود و فضایی معمایی دارد. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، با چه ژانری روبه‌رو هستیم؟»

«گیس» یک فیلم جنایی عاشقانه است. هر دو مؤلفه در فیلم حضور دارند و در هم تنیده‌اند. معما و جنبه جنایی داستان وجود دارد، اما روابط انسانی و عاطفی نقش مهمی در پیشبرد درام بازی می‌کنند.

«به نظر شما چقدر کمبود تنوع، به‌ویژه در ژانر جنایی، در سینمای ایران احساس می‌شود؟»

خیلی زیاد. سینمای ایران به‌شدت به تنوع ژانری نیاز دارد. پرداختن به ژانر جنایی، اگر درست و متناسب با

گفت‌وگو با مهدی جوادی، تهیه‌کننده فیلم «گیس»

از دل واقعیت‌های کمتر دیده شده

سیدمهدی جوادی که پس از سوابق مدیریتی مختلف در دهه ۹۰، طی سه سال نخست دهه اخیر مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی بود، امسال با فیلم «گیس» در جشنواره حاضر است. با این تهیه‌کننده که در کارنامه‌اش تولید آثار تلویزیونی، مستند، سینمایی و انیمیشن دیده می‌شود، درباره این حضور صحبت کردیم.

«درباره ماهیت و فضای کلی فیلم «گیس» توضیح می‌دهید؟»
«گیس» یک درام اجتماعی-پلیسی است که برداشت آزادی از یک ماجرای واقعی محسوب می‌شود. داستان در بخشی از فضای صنعتی کشور روایت می‌شود و تلاش دارد به مسائل اجتماعی، اقتصادی و امنیتی مرتبط با این فضا بپردازد.

«داستان فیلم در چه جغرافیایی اتفاق می‌افتد و این انتخاب چه اهمیتی برای شما داشته است؟»

داستان فیلم در جنوب کشور و در شهرهای صنعتی و نفتی شکل می‌گیرد. نفس خروج دوربین از تهران و نمایش ظرفیت‌ها، بافت اجتماعی، فرهنگ و زیست مردم غیرتهرانی، به‌خودی‌خود یک امتیاز برای سینمای ایران است. تلاش کردیم دوربین را به سمت کسانی ببریم که سهم بزرگی در چرخیدن اقتصاد کشور دارند، اما کمتر در سینما دیده شده‌اند.

«شرایط فیلمبرداری خارج از تهران چه تأثیری بر تولید داشت؟»
طبیعتاً فیلمبرداری در خارج از تهران با سختی‌های لجستیکی و اجرایی همراه است، اما در عین حال به اصالت فضا کمک می‌کند. حضور بازیگران بومی در کنار بازیگران حرفه‌ای، به باورپذیری فیلم کمک و حال‌وهوای جنوب کشور را به‌درستی منتقل کرده است.

«اشاره کردید فیلم برداشت آزادی از یک ماجرای واقعی است. چرا پرداختن به چنین سوژه‌هایی در سینمای ایران کم‌رنگ بوده است؟»

تبدیل داستان‌های واقعی صنعتی و اقتصادی کشور به درام سینمایی، یکی از ضعف‌های سینمای ماست. در حالی که کشور ما سرشار از روایت‌های واقعی، حوادث مهم و سوژه‌های غنی است که می‌تواند به تقویت فیلمنامه و سینما کمک کند. «گیس» تلاشی است برای ورود به این مسیر، با همه سختی‌ها و چالش‌هایی که دارد.

«فیلم چه مضامین اجتماعی و سیاسی-اقتصادی را دنبال می‌کند؟»

«گیس» به موضوعاتی مانند معیشت مردم، افشار آسیب‌پذیر، اعتراضات به حق اجتماعی و در عین حال امنیت صنعتی کشور می‌پردازد. مساله صیانت از صنایع، نفوذ اقتصادی و آلوده‌سازی صنعتی از جمله محورهای اصلی فیلم است؛ موضوعاتی که جامعه ما با آن‌ها درگیر است، اما کمتر در سینما بازتاب داشته‌اند.

فیلمنامه توسط کاظم دانشی نوشته شده است. با توجه به ماهیت داستان، فیلم واجد ابعاد حقوقی، امنیتی و پلیسی است و همین موضوع حساسیت نگارش و تولید آن را افزایش داده است.

«به نظر شما اقتباس از روایت‌های واقعی چه جایگاهی در آینده سینمای ایران دارد؟»

اقتباس، چه از ادبیات و چه از داستان‌های واقعی، می‌تواند به غنای محتوایی سینما کمک کند. همان‌طور که سینمای دفاع مقدس از روایت‌های واقعی تقویت شد، سینمای اجتماعی ما هم می‌تواند با اتکا به این منابع، جان تازه‌ای بگیرد؛ به‌ویژه در شرایطی که همه از ضعف فیلمنامه گلایه دارند.

امیدوارم «گیس» بتواند توجه مخاطب و سینماگران را به بخشی از واقعیت‌های کمتر دیده‌شده کشور جلب کند و راه را برای پرداخت‌های جدی‌تر به این جنس سوژه‌ها باز کند.





صحبت‌های «منوچهر محمدی» که با «سرزمین فرشته‌ها» در فجر ۴۴ حاضر است

الف مثل «ام»

مهسا بهادری

ترکیب «بابک خواجه‌پاشا»، فیلمسازی که در سال‌های اخیر دیدن آثارش کنج‌کاوی برانگیز بوده و «منوچهر محمدی»، تهیه‌کننده آثار شاخص سینمای ایران که پس از چندی به عرصه تهیه‌کنندگی بازگشته، در نوع خود مخاطب را در انتظار اکران «سرزمین فرشته‌ها» در جشنواره چهل و چهارم قرار داده است. در این اثر، سولاف فواخرچی، بازیگر برگزیده جهان عرب که تاکنون جوایز بسیاری را از جشنواره‌های مختلف کسب کرده است، حضور دارد. گفت‌وگوی روزنامه جشنواره با «منوچهر محمدی» بخوانید.

❖ فیلم «سرزمین فرشته» برای مخاطب جست‌وجوگر چه مضمونی دارد؟

این فیلم واجد ویژگی‌هایی انسانی، عاشقانه و مادرانه است و تجربه زیستن در شرایطی بسیار دشوار و سخت را به تصویر می‌کشد و در عین حال حال و هوایی زنانه دارد. عملاً تنها یک بازیگر زن دارد که تمام بار روایت بردوش اوست و نقش آفرینی‌اش نیز بسیار چشمگیر است.

❖ چرا این موضوع برای شما به دغدغه تبدیل شد و تهیه‌کنندگی این اثر را بر عهده گرفتید؟

ایده اولیه فیلم کاملاً از فکر و دغدغه اصلی من شکل گرفت و متعلق به من بود. البته دوستان دیگری نیز در ادامه آمدند و کمک کردند تا این ایده به مرحله ساخت برسد. آنچه برای من اهمیت داشت، توجه به کودکانی بود که در شرایط غیرطبیعی و ناآرامی قرار دارند و زندگی بسیار دشوار و سختی را تجربه کرده‌اند و همچنان هم تجربه می‌کنند. متأسفانه در چنین حوادثی، جان‌های بسیاری از این کودکان از دست رفته است و این مساله برای من به یک دغدغه جدی انسانی تبدیل شده است.

❖ فیلم «سرزمین فرشته» در کجا فیلمبرداری شده است؟

فیلم در ایران فیلمبرداری شده است.

❖ با این حال، بازیگران فیلم ایرانی نیستند. درست است؟

بله. بازیگران اصلی و تمام بازیگران فیلم عرب‌زبان هستند و همگی از کشورهای عربی انتخاب شده‌اند.

❖ انتخاب بازیگران برای نزدیکی بیشتر به دلیل فضای داستان انجام شده است یا به دلیل تسلط آن‌ها به زبان عربی؟

فیلم به‌طور کامل به زبان عربی ساخته شده است و بازیگرانی فارسی‌نمایش داده می‌شود.

❖ نام اولیه فیلم «ریم» بود. «ریم» به چه معناست و چرا تصمیم گرفتید عنوان فیلم را تغییر دهید؟

«ریم» در زبان عربی به معنای آهو است. زمانی که طرح اولیه فیلم را می‌نوشتیم،

بازیگر فیلم، خانم سولاف فواخرچی، از مطرح‌ترین و بزرگ‌ترین بازیگران دنیای عرب است و دو سال پیش نیز جایزه بهترین بازیگر زن جهان عرب را دریافت کرده است. طبیعتاً نظر و دانایی ایشان برای من اهمیت زیادی داشت، به‌ویژه از این منظر که مخاطبان کشورهای عربی نیز جزو مخاطبان اصلی فیلم ما هستند. به همین دلیل گفتم بهتر است فکر کنیم و اگر به نام مناسبی رسیدیم، آن را تغییر دهیم.

❖ نام «سرزمین فرشته‌ها» چگونه انتخاب شد؟

نام‌های مختلفی مطرح شدند و در نهایت «سرزمین فرشته‌ها» موردپسند جمع قرار گرفت. وقتی این عنوان را با خود ایشان نیز در میان گذاشتیم، بسیار از آن استقبال کردند. به نظر من، این عنوان به‌درستی توانست دایره معنایی فیلم را گسترش دهد و سهم کودکان در روایت را پررنگ‌تر و شفاف‌تر تعریف کند.

❖ شما پیش‌تر به دغدغه کودکان در این فیلم اشاره کردید. با توجه به این‌که داستان در بستری از یک کشور درگیر بحران روایت می‌شود، آیا برای رسیدن به این فضا، پژوهش، مطالعات میدانی یا دریافت مشاوره‌های تخصصی انجام شده است؟

بله، در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای انجام شد. مطالعه صورت گرفت و پس از بررسی‌ها، با افراد گوناگون گفت‌وگو کردیم. علاوه بر این، وقایع و مستنداتی که به‌واسطه دسترسی عمومی و امکان جست‌وجو در دسترس بودند، به‌دقت مورد استفاده قرار گرفتند. تمام جزئیات فیلم از نوع پوشش و لباس‌ها گرفته تا معماری، نوع وسایل نقلیه، ابزارها و اشیای صحنه، بر اساس همین مطالعات و بررسی‌های میدانی انتخاب و طراحی شدند و تلاش شد فضای اثر، مبتنی بر واقعیت و شناخت دقیق شکل بگیرد.

بازیگر فیلم، خانم سولاف فواخرچی، از مطرح‌ترین و بزرگ‌ترین بازیگران دنیای عرب است و دو سال پیش نیز جایزه بهترین بازیگر زن جهان عرب را دریافت کرده است. طبیعتاً نظر و دانایی ایشان برای من اهمیت زیادی داشت، به‌ویژه از این منظر که مخاطبان کشورهای عربی نیز جزو مخاطبان اصلی فیلم ما هستند. به همین دلیل گفتم بهتر است فکر کنیم و اگر به نام مناسبی رسیدیم، آن را تغییر دهیم.

به دلیل ویژگی‌های شخصیت زن داستان، این نام را انتخاب کردم. در ذهن ما، آهو نمادی از لطافت، بی‌گناهی و زیبایی است و احساس می‌کردم این نام با روح شخصیت زن فیلم هم‌خوانی دارد.

❖ چه عاملی باعث شد این نام را تغییر بدهید؟

زمانی که سولاف فواخرچی، بازیگر فیلم به ایران آمد و وارد مرحله جدی کار شدیم، یک روز گفت‌وگوی مفصلی با من داشت و توضیح داد «ریم» جزو اسامی جدید عربی محسوب می‌شود؛ اسامی که در مقاطعی مد می‌شوند و بعد جای خود را به نام‌های تازه‌تری می‌دهند. او تأکید کرد که این نام با سن، شرایط، شخصیت و موضوع فیلم هم‌خوانی کامل ندارد و پیشنهاد داد به گزینه‌های دیگری فکر کنیم.

❖ با توجه به جایگاه بازیگر فیلم، این پیشنهاد تا چه اندازه برای شما جدی بود؟

بازیگر فیلم، خانم سولاف فواخرچی، از مطرح‌ترین و بزرگ‌ترین بازیگران دنیای عرب است و دو سال پیش نیز جایزه بهترین بازیگر زن جهان عرب را دریافت کرده است. طبیعتاً نظر و دانایی ایشان برای من اهمیت زیادی داشت، به‌ویژه از این منظر که مخاطبان کشورهای عربی نیز جزو مخاطبان اصلی فیلم ما هستند. به همین دلیل گفتم بهتر است فکر کنیم و اگر به نام مناسبی رسیدیم، آن را تغییر دهیم.

❖ نام «سرزمین فرشته‌ها» چگونه انتخاب شد؟

نام‌های مختلفی مطرح شدند و در نهایت «سرزمین فرشته‌ها» موردپسند جمع قرار گرفت. وقتی این عنوان را با خود ایشان نیز در میان گذاشتیم، بسیار از آن استقبال کردند. به نظر من، این عنوان به‌درستی توانست دایره معنایی فیلم را گسترش دهد و سهم کودکان در روایت را پررنگ‌تر و شفاف‌تر تعریف کند.

❖ شما پیش‌تر به دغدغه کودکان در این فیلم اشاره کردید. با توجه به این‌که داستان در بستری از یک کشور درگیر بحران روایت می‌شود، آیا برای رسیدن به این فضا، پژوهش، مطالعات میدانی یا دریافت مشاوره‌های تخصصی انجام شده است؟

بله، در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای انجام شد. مطالعه صورت گرفت و پس از بررسی‌ها، با افراد گوناگون گفت‌وگو کردیم. علاوه بر این، وقایع و مستنداتی که به‌واسطه دسترسی عمومی و امکان جست‌وجو در دسترس بودند، به‌دقت مورد استفاده قرار گرفتند. تمام جزئیات فیلم از نوع پوشش و لباس‌ها گرفته تا معماری، نوع وسایل نقلیه، ابزارها و اشیای صحنه، بر اساس همین مطالعات و بررسی‌های میدانی انتخاب و طراحی شدند و تلاش شد فضای اثر، مبتنی بر واقعیت و شناخت دقیق شکل بگیرد.

گفت‌وگو با علی حسام‌فر، فیلمنامه‌نویس فیلم سینمایی «سقف»

رادیو کالیسم و بازتولید حقارت

نگار تقی‌پور



در جریان جنگ ۱۲ روزه، بسیاری ترجیح دادند تا خانه خود را ترک کنند. طرح اولیه فیلم هم درباره این مهاجرت در دل جنگ بود و اتفاقاتی که برخلاف پیش‌بینی مهاجران برای داشتن پناهگاه رخ می‌دهد: تحقیر. در ادامه تلاش کردیم با دام‌تیزه کردن آن، به فیلمنامه‌ای کامل برسیم که معانی عمیق‌تری را در خود داشته باشد.

از لحاظ زمانی این فرآیند چگونه پیش رفت؟

فاصله بین وقوع جنگ و شروع تولید چندان زیاد نبود، قرار بود فیلم در بازه زمانی مشخصی به نتیجه برسد؛ بنابراین نمی‌شد زمان زیادی را به نگارش اختصاص داد. با این حال با بازنویسی‌های متعدد و ساعات کاری فشرده در دوره پیش از پیش‌تولید و در حین آن، سعی کردیم کمبود زمان را جبران کنیم.

از روند نگارش فیلمنامه به چه صورت بود؟ آیا ابتدا نقاط عطف را مشخص و سپس موقعیت‌ها را روی آن سوار کردید یا در مسیر داستان نقاط عطف را کاشتید؟ درباره ایده ناظر فیلم هم بگویید.

از ایده ناظر شروع کنیم؛ یعنی چرخه تحقیر: موضوع تحقیر، تحقیرکننده و تحقیر شونده، تحقیری که می‌تواند منجر به رفتار رادیکال و بازتولید حقارت شود.

انسان با تصور خودارزشمندی زندگی می‌کند و می‌کوشد از این ارزش دفاع کند. احساس فرو دست بودن و تحقیر ساختاری شخصیت‌ها را به واکنش وادار می‌کند. وقتی سیستم یا افراد در موضع قدرت با ایجاد سلسله مراتب کاذب، کرامت و احساس ارزشمندی را خدشه‌دار می‌کنند و آدم‌ها خرد می‌شوند، مانند آنچه برای آرش (در فیلم) رخ می‌دهد، صحنه‌های کمدی و در عین حال غم‌انگیزی خلق می‌شوند و واکنش‌هایی پیش‌بینی‌ناپذیر هم ایجاد می‌کند. شما نظیر این را هم در رابطه قدرت‌های جهانی با کشورهای با قدرت کمتر و هم در جوامعی که حقوق فردی در آنها کم‌رنگ است، می‌توانید ببینید. چنین جوامعی فردیت را نابود می‌کنند و احساس موثر بودن را از آدم‌ها می‌گیرند. مهندسی نقاط عطف نیز را معمولاً آقای امینی انجام می‌دهد؛ او علاوه بر اینکه نویسنده و کارگردانی مولف است در این زمینه تخصص ویژه دارد. حادثه محرک، نقاط عطف، ورود به

پرده دوم و سوم بارها بررسی و تنظیم شدند تا مهندسی دقیق و مطابق قواعد داشته باشند. ابتدا ساختار خرده‌پیرنگی بود، اما در ادامه به ساختار کلاسیک سه‌پرده‌ای نزدیک‌تر شدیم و اکنون فیلمنامه بیشتر رنگ و بوی ساختار سه‌پرده‌ای دارد. معمولاً برای فیلمنامه‌ها گروهی از نسخه‌خوانان داریم؛ برخی از اهالی سینما و برخی افراد خوش‌ذوق خارج از سینما که پیش از نهایی شدن متن، آن را می‌خوانند و نظر می‌دهند. برای مثال در این فیلمنامه آقای میثم محمدی، همکار اهل فن شما نسخه‌های متعددی را خواند و همفکری داشتیم، البته سه دوست اندیشمند دیگرمان نیز به ما کمک کردند.

یکی از نکات جالب توجه در مسیر روایت، لوکیشن یا همان ویلایی است که کاراکترها در آن حضور دارند، این لوکیشن حالت نمادین پیدا می‌کند و مقرراتی در آن پیاده می‌شود که بسیار اغراق‌آمیز هستند. در این میان خانواده‌ای که میان سام درخشانی و بیژن بنفشه‌خواه قرار دارند، چه جایگاهی دارند؟ آیا احساس بلا تکلیفی می‌کنند؟

بلا تکلیفی ظاهری است. ترجیح می‌دهم بگویم در بیشتر دقایق فیلمنامه ناظر هستند و در نهایت فعال می‌شوند. این خانواده فکر می‌کند حقی دارد که از آن محروم شده است که ابتدا تلاش می‌کند آن را به دست آورد. هر کدام انگیزه‌ای دارند. هر شخصیت متناسب با زمان فیلمنامه، رنگ‌بندی متفاوتی از دیگران را نشان می‌دهد. در نهایت، بزنگاه و نقطه پایانی فیلمنامه را آن‌ها رقم می‌زنند و رفتار قهرمان را تکمیل می‌کنند.

یکی دیگر از عناصر قصه و روایت حضور سگ (کوپر) در فیلم است که در موقعیت‌هایی واقعاً تبدیل به یک شخصیت می‌شود. در مورد کوپر نیز برایمان بگویید.

کوپر در این فیلم کاتالیزور رفتار دیگران است و رفتار با او، آگاهی‌ها و واکنش سایر کاراکترها را برمی‌انگیزد. اگر این‌گونه به نقش سگ نگاه کنیم، حضور و تکرار موقعیت‌های مرتبط با او قابل درک می‌شود. کوپر بخشی از ساختار تحقیر است که هم تحقیر می‌کند و هم از طرف پسر دایی تحقیر می‌شود. پسر دایی می‌خواهد جنگ، ویرانی، توهم پیشرفت و امنیت را به فرصتی برای نمایش قدرت، تطمیع و تحقیر دیگران تبدیل کند. کوپر هم بخشی از فرهنگ رانت‌خیزی است که موجودات را به بنده و ارباب تقسیم می‌کند؛ مثل عرصه جهانی که امروزه قدرت‌ها به طور عریان رفتار خودشیفته از خود نشان می‌دهند یا استیلا طلبی و ریاکاری که در جامعه می‌بینیم.

به همین دلیل سعی کردم برای این فکرهای لایسی نمایشی با لحظات فکاهه بدوزم تا آینه‌ای مقابل رفتار ما قرار دهد. جایی که تحقیر می‌کنیم و تحقیر می‌شویم یا هم‌زمان هر دو، هنرمند قبل از هر چیز باید اثری فنی خلق کند. همیشه از نشانه‌گرایی پرهیز داشته‌ام اما شرایط امروز اقتضا می‌کند که هنرمند آینه‌ساز باشد به همین دلیل در مسیر نگارش فیلمنامه ابایی از بعضی نشانه‌ها نداشته‌ام. بنابراین در پایان، هر خانواده چراغی می‌افروزد و در سایه بحران، به زندگی روشنی می‌بخشد. این همان چیزی که امروز ایران ما به آن نیازمند است.





گفت و گو با مرتضی حکاکیان، کارگردان فیلم کوتاه «لونا»

لاک پشت شوید!

فیلم کوتاه «لونا» به کارگردانی و نویسندگی مرتضی حکاکیان و تهیه‌کنندگی مجید حیدری، در بخش کوتاه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر حضور دارد. این اولین فیلم حکاکیان در مقام کارگردان است. او پیش‌تر به عنوان فیلمبردار و نورپرداز فعالیت داشته است.

«لونا» از چه می‌گوید و چه جهانی را به تصویر می‌کشد؟

«لونا» جهانی را روایت می‌کند که در آن برخی انسان‌ها، زمانی که قادر به بیان احساسات و خواسته‌های عمیق خود نیستند، تصمیم می‌گیرند به لاک پشت تبدیل شوند. داستان در یک آسایشگاه اتفاق می‌افتد؛ دکتري تنها و پرستاری که به او دل بسته، هرکدام در مواجهه با ناتوانی در برقراری ارتباط، انتخابی غیرمعمول اما آگاهانه و عاشقانه می‌کنند. فیلم بدون توضیح مستقیم، مخاطب را وارد جهانی می‌کند که در آن دگرگونی، نه یک اتفاق عجیب، بلکه نتیجه طبیعی انتخاب‌ها است.

«برای بیان این ایده چه ساختاری را به کار برده‌اید؟

«لونا» در قالب روایت مینیمال و شخصیت‌محور ساخته شده و با استفاده از عناصر ژانرهای جادویی، جهانی واقعی با بیانی استعاری خلق می‌کند. دوربین، طراحی صحنه و نورپردازی در خدمت انتقال وضعیت درونی شخصیت‌هاست و روایت بیش از دیالوگ، بر تصویر، سکوت و کنش استوار است.

«تا چه حد به روایت بومی در فیلم «لونا» نزدیک شده‌اید؟

هویت بومی زمانی ارزشمند است که سوار بر یک هویت مفهومی محکم باشد، در غیر این صورت تبدیل به تزئین فرهنگی می‌شود. تجربه فیلم‌های شاخص بین‌المللی نشان می‌دهد آثاری که از دل فرهنگ مشخصی می‌آیند اما به مسأله‌ای انسانی و جهان‌شمول می‌پردازند، امکان گفت‌وگوی گسترده‌تری با مخاطب داخلی و جهانی پیدا می‌کنند. در «لونا»، تمرکز اصلی من بر ساختن این هویت مفهومی بوده است و عناصر فرمی و فضاسازی در خدمت آن قرار گرفته‌اند.

«مواجهه با طیف مخاطبان در جشنواره فیلم فجر برای شما چقدر اهمیت دارد؟

حضور فیلم در جشنواره فجر فرصت می‌دهد اثر با مخاطبان، منتقدان، سینماشناس‌ها و رسانه‌ها مواجه شود و بازخوردها به من کمک می‌کند جایگاه فیلم را نسبت به سینمای امروز ایران بهتر بشناسم. نظر داوران جشنواره فجر، مکمل جشنواره‌های تخصصی سینمای کوتاه است و امکان دیده شدن فیلم در مقیاس وسیع‌تر را فراهم می‌کند. این نگاه متفاوت، می‌تواند فیلم را فراتر از فضای تخصصی در بدنه اصلی سینمای ایران نیز مطرح کند. برای من، گفت‌وگو پیرامون فیلم به اندازه خود نمایش آن ارزشمند است؛ به‌ویژه که فیلم‌های کوتاه شانس کمتری برای دیده شدن دارند.



گفت و گو با مجید کریمی، کارگردان مستند «در سپهر ایران»

بازخوانی اندیشه نور

پگاه زارعی



مستند «در سپهر ایران» در بخش مستند چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر حضور دارد. مجید کریمی، کارگردان این اثر متولد ۱۳۵۰ در خمین، دارای مدرک کارشناسی ارشد سینما از دانشکده سینما-تئاتر و دانشجوی پژوهش هنر

در مقطع دکترا است. او که ۱۳ سال سابقه تدریس دانشگاهی در رشته‌های فیلم‌سازی داستانی و مستند دارد، تاکنون ۳۲ پروژه سینمایی، تلویزیونی، مجموعه‌های مستند و تک‌قسمتی تولید کرده که از میان این پروژه‌ها، ۲۷ اثر کاملاً تاریخی است.

«از شکل‌گیری ایده این مستند بگویید.

پس از سال‌ها فعالیت در حوزه مستند تاریخی و ساخت بیش از ۳۲ پروژه درباره تاریخ ایران، در جریان همکاری با مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران و همراهی با تیم‌های کاوش علمی، با مفهوم اندیشه نور در تاریخ ایران آشنا شدم. همین موضوع به محور اصلی این پروژه تبدیل شد. پژوهش این فیلم بیش از دو سال و نیم طول کشید و پس از آن نسخه سینمایی با حمایت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی تولید شد.

«فرآیند تولید این اثر چگونه بود؟

تولید این مستند یکی از دشوارترین تجربه‌های حرفه‌ای من بود، چون گروه تولید برای ثبت تصاویر به ۹۴ لوکیشن تاریخی در ۱۸ استان کشور سفر کرد؛ از تخت جمشید، نقش رستم، حسنلو و نوشیجان گرفته تا کلیساهای سنت‌استپانوس، تادئوس مقدس و وانک، معابد مهرپرستی، آتشکده‌ها و مساجد تاریخی. در این مسیر، اخذ مجوز از نهادهای مختلف مانند نیروی انتظامی، وزارت میراث فرهنگی، شوراهای تأمین استان‌ها، مجوزهای پرواز پهپاد و حتی انجمن‌های مذهبی، بخش مهمی از زمان تولید را به خود اختصاص داد و همین موضوع باعث طولانی شدن پروژه شد.

«چه مضمونی را در این مستند به تصویر کشیده‌اید؟

«این مستند فقط نمایش بناهای تاریخی نیست بلکه روایت یک اندیشه است. از زاویه نور به تاریخ نگاه کردیم؛ نوری که به عنوان عنصر مقدس و پیونددهنده زمین و آسمان، در آیین مهر، زرتشت، معماری هخامنشی و ساسانی و حتی معماری اسلامی حضور دارد.

فیلم نشان می‌دهد چگونه الگوهای معماری و نمادهای نور، از آتشکده‌ها و آرامگاه‌ها تا مساجد و کلیساهای طول تاریخ ایران استمرار یافته و به هم پیوند خورده‌اند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های فیلم، ارائه فرضیه‌ای تازه درباره بنای موسوم به «کعبه زرتشت» است. بر اساس شواهد باستان‌شناسی، متون تاریخی و سکه‌های دوره هخامنشی این بنانه آتشکده بوده، نه محل نگهداری آوستا و نه تقویم، بلکه محلی برای خاموش کردن آتش شاهان هخامنشی پس از مرگشان بوده است. این فرضیه با همراهی و نظر باستان‌شناسان برجسته‌ای چون دکتر مجید منتظر ظهوری و دکتر حکمت‌اله ملاصالحی مطرح شده تا زمینه کاوش علمی این بنا فراهم شود.

«از حضور فیلم مستند «در سپهر ایران» در جشنواره فیلم فجر بگویید. چقدر به این حضور امید دارید؟

جشنواره فیلم فجر مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور و ویتترین ملی سینمای ایران است. برخلاف جشنواره‌های تخصصی مثل سینماحقیقت، فجر فرصت دیده شدن مستند توسط مخاطبان عمومی را فراهم می‌کند. البته من معتقدم که دآوری مستند نیاز به شناخت دقیق این مدیوم دارد و اگر حتی یک یا دو مستندساز حرفه‌ای در جمع داوران باشند، عدالت دآوری بیشتر رعایت می‌شود. هدف اصلی من از حضور در جشنواره فجر، دیده شدن فیلم است نه صرفاً جایزه. این مستند می‌تواند نماینده‌ای شایسته برای معرفی تمدن و فرهنگ ایران در داخل و خارج کشور باشد و امیدوارم مسیر حضور در جشنواره‌های جهانی را هم طی کند و تصویری درست از تاریخ و اندیشه ایرانی به جهان ارائه دهد.





روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر
شماره ۴ - سه شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۴
مدیر مسئول: منوچهر شاهسوار



جشنواره در استان‌ها

بخش استانی جشنواره چهل و چهارم از چهارشنبه ۱۵ بهمن تا چهارشنبه ۲۲ بهمن به مدت هشت روز برگزار می‌شود. در این دوره، ۳۱ فیلم منتخب در دو مرکز بزرگ سینمایی شیراز، مجموعه «هنر شهر آفتاب» (سالن‌های بنفش وزرد) و «پردیس سینمایی تارخ» (سالن‌های یاس و نسترن) روی پرده خواهند رفت. در اصفهان؛ برخلاف دوره‌های گذشته، در هر سینما چند ردیف مشخص برای هنرمندان و اصحاب رسانه اختصاص یافته ضمن آن که حدود ۹۹ درصد فیلم‌های حاضر در دو پردیس سینمایی چهارباغ و ساحل به نمایش درمی‌آیند. در بخش جنبی جشنواره نیز از مجموع ۵۸ فیلم ارسال شده به دبیرخانه جشنواره در اصفهان، ۴۷ فیلم متعلق به فیلمسازان اصفهانی روی پرده می‌رود. در یزد فیلم‌های جشنواره ملی فیلم فجر از ۱۵ تا ۲۲ بهمن در پردیس سینمایی تک و سینما خلیج فارس یزد به نمایش درمی‌آیند.

در مشهد، ۱۶ فیلم در پردیس‌های سینمایی هویزه و آفریقا برای مخاطبان و علاقه‌مندان سینما، اکران خواهند شد.

در شیراز نیز ۳۱ فیلم منتخب در دو مرکز بزرگ سینمایی یعنی مجموعه «هنر شهر آفتاب» (سالن‌های بنفش وزرد) و «پردیس سینمایی تارخ» (سالن‌های یاس و نسترن) اکران می‌شود و اکران ۳۲ فیلم منتخب جشنواره در دو سینمای بازار شهر و تربیت قم برگزار خواهد شد.

۳۱ فیلم جشنواره در دو سینمای آزادی و فرهنگ کرمانشاه به نمایش درخواهد آمد. همچنین برای نخستین بار، شاهد اکران همزمان برخی فیلم‌های جشنواره در شهرستان سرپل ذهاب خواهیم بود.

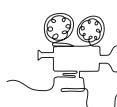
امسال شهرکرد با پردیس سینمایی بهمن و پردیس سینمایی غدیر میزبان ۳۱ فیلم جشنواره است و در خراسان شمالی، ۳۲ فیلم در پردیس سینمایی همگ و سینما گلشن بجنورد اکران خواهد شد و بعد از پایان اکران فیلم‌ها، نقد فیلم در پردیس سینمایی همگ انجام می‌شود.



مردم چگونه رأی می‌دهند؟

در این دوره جشنواره، برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه تماشاگران به روش مکانیزه انتخاب خواهد شد. تماشاگران می‌توانند هنگام ورود به سالن نمایش دهنده فیلم با وارد کردن کد بلیت خود در کیوسک‌های ویژه جشنواره یا از طریق گیشه سینماهای مردمی نسبت به چاپ بلیت خود اقدام کنند. سپس پیامکی حاوی کدهای رأی و نشانی سامانه رأی‌گیری برای تماشاگر ارسال می‌شود که دو ساعت برای ثبت رأی معتبر است. در صورت ارسال نشدن پیامک، مخاطب می‌تواند کد خرید بلیت را به سامانه پیامکی ۰۴۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ارسال کند تا پیامک را بار دیگر دریافت کند.

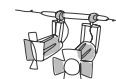
تصویر امروز
سینمای ایران برای نسل آینده زنده می‌ماند و جشنواره ۴۴ محفلی برای ماندن و ادامه دادن است.



نگاه ایرانی

«مهمان مامان» اثر زنده‌یاد داریوش مهرجویی برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم جشنواره ۲۲، یادگار جاودانه خانواده، فرهنگ ایرانی، همدلی و تمام مفروضات دلنشین این سرزمین است.

رقابت فیلم‌های مردمی و رشد پیش فروش بلیت‌ها



محمدرضا فرجی، مدیر امور سینماهای فجر ۴۴ به روزنامه جشنواره گفت: اکران فیلم‌ها در جشنواره، تاکنون رضایت‌بخش بوده است. فیلم‌های مردمی که در رقابت قرار دارند، عملکرد خوبی داشته و میزان فروش بلیت برخی فیلم‌ها در بعضی سینماها به بیش از ۸۰ تا ۹۰ درصد رسیده است. پیش فروش بلیت‌ها در تهران و استان‌ها شروع شده و استقبال قابل توجهی مشاهده می‌شود. در تهران برخی سالن‌ها تقریباً تمام بلیت‌های خود را پیش فروش کرده‌اند و این موضوع برنامه‌ریزی برای سانس‌های فوق‌العاده را ضروری می‌کند. او همچنین گفت: برگزاری سانس‌های فوق‌العاده طبق ضوابط مشخصی انجام می‌شود. درخواست آن باید از طرف سینما دار ارائه و توسط نماینده جشنواره در سینما و همچنین تهیه‌کننده تأیید شود. به این ترتیب، حتی اگر سینما تمایل به برگزاری سانس فوق‌العاده داشته باشد، بدون موافقت تهیه‌کننده امکان‌پذیر نیست. در تهران تاکنون دو سینما موفق به برگزاری سانس‌های فوق‌العاده شده‌اند و پیش‌بینی می‌شود با توجه به استقبال، این تعداد افزایش یابد. فرجی درباره وضعیت پیش فروش بلیت‌ها در استان‌ها گفت: با شروع تبلیغات استانی، استقبال روبه رشد است. تا این لحظه بیشترین پیش فروش مربوط به استان‌های اصفهان، خراسان رضوی و قم است، اما انتظار می‌رود با ادامه تبلیغات، این روند تغییر کند.

صفحه آخر
روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر

